

## برده‌ها

## هرگز ب

میزان استفاده از یاهو مسنجر به دلیل ضعف سیستم امنیتی آن، در میان کاربران اینترنت، کاهش ملموسی پیدا کرده است. حتی اگر تاکنون آیدی شما هک نشده یا کامپیوترتان را به ویروس آلوده نکرده باشد، هنوز چند خطر دیگر پشت فطوطا ارتباطی اینترنتی وجود دارند که تهدیدتان می‌کنند. فراموش نکنید کسی که در پت‌روه به شما سلام می‌کند، ممکن است سبب‌ساز اتفاقات پپیپده و عجیب و غریب در زندگی‌تان شود. این فود شما باید کنترل زندگی را در دست داشته باشید و به بیگانگانهایی که نمی‌دانید هر کدام به چه نیت و انگیزه‌ای با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند، اجازه ندهید وارد حریم‌تان شوند.

## این روزها در دنیای نت چه می‌گذرد؟

## برده‌داری مدرن

«من پسر هستم و دنبال یک ارباب خانم می‌گردم!»

یا

«من یک slave می‌خواهم!»

شگفت‌زده می‌شوم. فکر می‌کردم دوران برده‌داری مدت‌هاست به پایان رسیده، اما این آدم‌ها چرا باید دنبال یک برده بگردند؟ بدتر از آن، چه کسی دوست دارد اربابی پیدا کند و برده او باشد؟!

اگر وارد یک اتاق گفتگوی اینترنتی بشوید و پیامی با مضمون‌هایی مشابه اینها بفرستید، بالاخره کسی به شما جواب خواهد داد. اما در قرن بیست و یکم، slave (برده) و master (ارباب) به چه جور آدم‌هایی گفته می‌شود و آنها چه ارتباطی با هم خواهند داشت؟

متأسفانه با جستجوی این لغات در اینترنت، به نتیجه‌ای نمی‌رسیم، چرا که تمام سایت‌های مرتبط، فیلتر شده‌اند اما با توجه به این که اخیراً به چند مورد از پیام‌هایی در جستجوی برده و ارباب برخوردیم و چیزهایی درباره‌شان شنیدیم، می‌دانم که پدیده‌ای تازه از دنیای غرب، راه خود را به ایران باز کرده و اگر آن را نتناسیم و ریشه‌یابی نکنیم و به اطلاع‌رسانی و هشدار دادن در موردش نپردازیم، ممکن است بین جوان‌ها گسترش پیدا کند و زمانی به

خود بیاییم که دیگر دیر شده باشد. هر چند که بردگان امروزی، خودشان تمایل دارند تحت امر یک ارباب درآیند، اما اگر دقت کنیم می‌بینیم که این هم یکی دیگر از مناسبات نامناسب انسانی است و برده‌ها هرگز برنده نمی‌شوند!

## Fetish چیست؟

«شما در مورد ارباب‌ها و برده‌های امروزی چیزی می‌دانید؟»

امیر، ۲۷ ساله، بچه تهران، از این سؤال من جا می‌خورد: «مگر الان هم برده‌داری هست؟!»

«خوب ... این برده با آن برده‌ها فرق دارد ... ببینید ... بعضی آدم‌ها گاهی در ابراز احساسات نسبت به دیگران، دچار افراط و تفریط‌هایی می‌شوند که علاقه‌شان را از شکل طبیعی خارج می‌کنند...»

سعی می‌کنم تمام دانسته‌هایم را به یاد بیاورم: «این که یک نفر، از چشم‌های رنگی یا قد بلند خوشش بیاید، امری سلیقه‌ای است و به این جور سلاقی می‌گویند «فتیش». هر کس فتیش خاص خودش را دارد. اما گاهی این علاقه‌مندی‌ها به دلایل مختلف، شکل انحرافی می‌گیرند ... کسانی که امروزه با عنوان slave (برده) شناخته می‌شوند، مایلند یک نفر را به عنوان ارباب یا الهه انتخاب کنند و به شکل افراطی در خدمت او باشند. در مقابلش به خاک بیفتند، دست و پایش را ببوسند و هر کاری می‌گوید، انجام بدهند! به این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

این آدم، اگر مرد باشد

master (ارباب) می‌گویند و اگر زن باشد mistress (الهه).  
«این ارباب یا الهه، باید پول هم بدهد؟»  
«نه، او فقط به برده خود اجازه می‌دهد که در خدمتش باشد!»  
«یعنی برده در مقابل هیچ توقعی ندارد؟»  
«خوب ... ظاهراً او از لحاظ روحی ارضا می‌شود...»

«این که خیلی با حال است!»  
قضیه درست در همین جا مشکل‌ساز می‌شود؛ یعنی جایی که جوانی خیال کند این وضعیت، خیلی با حال است!

برای داشتن قضاوتی بهتر، باید وارد دنیای این آدم‌ها شد. اما چطور؟

## الهه بی‌طرفیت!

پسری با نام مستعار unknown در اتاق گفتگوی اینترنت، به دنبال یک mistress می‌گردد.

از او می‌پرسم: «تا حالا slave (برده) کسی بوده‌ای؟»

با آن که slave به فارسی «برده» معنا می‌شود، اما سعی می‌کنم فقط از لغت انگلیسی استفاده کنم. نمی‌دانم چرا این حس را دارم که ممکن است او با به کار بردن کلمه «برده» ناراحت شود، غافل از این که چنین افرادی از برده بودن لذت می‌برند: «بله، اما به تازگی الهام را از دست داده‌ام!»  
«یعنی چه که از دست داده‌ای؟»

«هرچند این مسائل خصوصی است ولی به شما می‌گویم. الهه من، یک خانم ۳۵ ساله بود. اوایل مشکلی نداشتیم اما این اواخر فقط از من می‌خواست بیرون خانه‌اش را جارو کنم و حتی اجازه نمی‌داد وارد منزل بشوم.»

«مگر slave (برده) می‌تواند هر وقت دلش خواست، صاحب اختیارش را ترک کند؟»  
«بالاخره ما هم برای خودمان شخصیتی قائلیم!»

«مگر قرار نیست هر کاری که او گفت شما انجام بدهید؟»

«خوب یک الهه هم باید جنبه داشته باشد تا کار به سوءاستفاده نکند!»

«می‌شود توضیح بدهی که اصولاً یک slave چه محدودیت‌ها و چه آزادی‌هایی دارد؟»

«ارباب یا الهه می‌تواند به من اجازه بدهد بعضی کارها را با تصمیم خودم انجام بدهم. او حتی می‌تواند مرا آزاد کند!»

«فعلاً که خودت، خودت را آزاد کردی!»

«گفتم که، آن ارتباط دیگر داشت بی‌معنی می‌شد. من از روی علاقه می‌خواستم به آن خانم خدمت کنم اما او حتی اجازه نمی‌داد نگاهش کنم!»

«این چه مدل علاقه‌ای است؟ نمی‌توانستی یا او ازدواج کنی؟»

«ازدواج؟! آخر خودم را در حد او نمی‌دیدم. من فقط یک slave (برده) هستم، نمی‌توانم چنین خیالاتی به سرم راه بدهم. او بت من بود!»

«تا حالا ازدواج کرده‌ای؟»

به طور محسوس خوشحال می‌شود: «یعنی به عنوان یک الهه، از من می‌خواهید با شما ازدواج کنم؟! اگر دستور بدهید، قضیه فرق می‌کند!»

## تاریخچه برده‌داری

اما وضعیت برده‌ها همیشه هم این طور خوب و خوش نبوده است! تمام آنچه که در مورد تاریخچه ارتباط میان ارباب و برده، توانستم در اینترنت پیدا کنم، متنی بود به زبان انگلیسی که خانم «زینب بخشی ولوجردی» زحمت ترجمه‌اش را کشید: «من در ۱۵ ژوئن ۱۷۸۹ در دهکده چارلز از ایالت مریلند، در مزرعه‌ای که متعلق به آقای فرانسیس نیومن بود، به دنیا آمدم. مادرم، برده دکتر «جوسیا مک‌فرسون» بود اما به ارباب پدرم، آقای نیومن، اجازه داده شده بود. روزی آقای خانه، مادرم را به مکانی دورافتاده برده و مجبورش کرده بود که او را به مقصود شومش برساند. پدرم با عجله دیده و همسر خود را با آن مرد یافته بود. بنابراین خشمگین از دیدن این صحنه، مثل یک ببر (این هم ارتباط گزارش با ویژه‌نامه نوروزی سال ببرا!) به مرد حمله کرده و او را به زمین انداخته بود. اگر قول آن مرد که چیزی در این مورد به کسی گفته نخواهد شد، نبود، او حتماً به دست پدرم کشته می‌شد.»

در آن دوران، اغلب بردگان زن، از چنین ارتباط‌هایی با اربابشان بچه‌دار می‌شدند، هر چند که ارباب زیر بار هیچ تعهدی در مورد بچه‌اش نمی‌رفت و گاهی اربابی، فرزند

یعنی به عنوان یک الهه، از من می‌خواهید با شما ازدواج کنم؟!

ای جوان بر قامت خم گشته پیران نگر  
رفته رفته زندگی بار گرانی می‌شود

– واثق نیشابوری